

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ اگست ۲۰۱۹

روند تلاشی و تجزیه "جمعیت اسلامی"

سه شنبه- ۰۵ سنبله ۱۳۹۸ کابل: هرگاه به اخبار مربوط به فعالیت های به اصطلاح انتخابات به دقت گوش داده باشید، حتماً متوجه شده اید که خلاف تمام احزاب و نهاد های منقاد اشغالگران که جهت کسب آرای بیشتر به طرف انسجام درونی و اتحاد با سایر نیروها در حرکت اند، جمعیت اسلامی افغانستان و شورای نظار، چنان در مسیر پراگندگی و نفاق روان اند که حتا اگر "برهان الدین ربانی" با تمام دغلبازی هایش و "مسعود" با توطئه گریهای خونین و سیاست حذف رقباء نیز از گور برخیزند و دوباره زمام امور را به دست بگیرند، جلو این پراگندگی را گرفته نخواهند توانست. چنانچه:

جمعیت اسلامی و شورای نظار که می توان گفت برای بیش از سه دهه از مرض پراگندگی آسیب کمتر دید و به خصوص تا زمانی که شخص ربانی زنده بود، هیچ نوع انشعابی را تجربه نکرد و تمام صدا های مخالف را با سیاست های توطئه گرانه، یا خرید و یا هم به صورت مرموز مانند قتل قومندان "صفی الله" رقیب "اسماعیل" خان در اثر تصادف از بین برداشت و یا هم مانند "صوفی رسول" استالف و سایر رقبای "مسعود" قسمی کشته شدند و از صحنه برداشته شدند توگویی اصلاً وجود خارجی نداشتند؛ اینک به اساس سیاست های تفرقه افکنانه "غنی احمدزی" و انگشت گذاشتن بر نقطه ضعف آنها یعنی پول پرستی و حب جاه و مقام، در وضعیتی قرار گرفته که همه روزه پارچه های بیشتری از پیکر آن جدا می گردد. به علاوه صد ها تن منفرد و جذب شده به دور "غنی احمدزی" این پارچه ها در مقطع کنونی اینها اند:

- ۱- شورای رهبری جمعیت مشتمل بر دو بخش (ربانی-عبدالله) و (عطاء-قانونی)
- ۲- کمیته انسجام متشکل از دو بخش معارض با یکدیگر (فاروق هراتی و مولانا فرید) به طرفداری از "غنی احمدزی" و قسمت دیگر همان کمیته اطاعتش را از شورای رهبری اعلام داشت.
- ۳- "امراالله صالح" و روندی را که به نام "روند سبز" مسما نموده بودند، مطلقاً از پیکر جمعیت و شورای نظار جدا شده در خدمت "غنی احمدزی" قرار دارند.
- ۴- برادران "مسعود" یعنی (ولی- و ضیاء) هریک برای خود نواخته، طبق شنیدگی و آوازه های سرچوک "برید مرده و زنده" نموده اند.

۵- پسر "احمدشاه مسعود" بعد از سپری نمودن دوره های کار آموزی استخباراتی اش در دربار "ولایت فقیه" و استخبارات امپراتوری بریتانیا، از زمان بازگشت به افغانستان با یک برش قاطع از تمام جناح ها، در صدد است تا تمام ناراضیان جمعیت و صفوف آن را که از رهبری بعد از (ربانی- مسعود) دل خونین دارند، به دور خود جمع نموده، جهت جگره برای کسب کدام مقام دولتی آنها را به دنبال خود می کشاند.

هموطنان گرامی!

تجربه سالهای اخیر حاکمیت نجیب و دوران حاکمیت "ربانی-مسعود" خود گواه است که "ربانی- مسعود" در آن زمان برای خرید افراد و قومندانهای رقباء چنان سر خریطه را باز نموده و پول تقسیم می کردند که حاتم طائی به گردشان نمی رسید. در نتیجه جمعیت و شورای نظار که آنچنان پندیده بود و ادعای بزرگترین حزب را می کرد، آن بزرگی و پهنا کلاً در گسترش کمی محدود مانده، کمتر فرد و انسانی بود که قلباً و به اساس اعتقادی به جمعیت مدغم شده باشد. اینک که آن پول و امکانات قسماً کاهش یافته و از جانب دیگر در طی سالها، فساد تربیتی به مانند مرض سرطان در تاروپود وجود جمعیت-شورای نظار رخنه کرده است، مسلم است که روند ریزش و فرسایش در آن نهاد ادامه خواهد یافت. این روند چنان عمیق و سریع در حرکت است که اگر باردیگر "غنی احمدزی" در به اصطلاح انتخابات پیروز گردد، از جمعیت و شورای نظار تا ۵ سال بعد، دیگر اثری باقی نخواهد ماند.

سرکها ما را می طلبد!